

درس نامه:

ویژگی‌های ارتباط انسان‌ها با نواحی:

الف) انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند.

انسان‌ها شیوه‌ها و ابزارهای متفاوتی را برای زندگی و بهره‌برداری از محیط طبیعی به کار می‌برند و در نتیجه نواحی مختلفی را پدید می‌آورند و یا نواحی طبیعی را تغییر می‌دهند.

ب) نواحی به فعالیت‌های انسان‌ها شکل می‌دهند.

۱- ویژگی‌های هر ناحیه طبیعی، همواره زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲- محدودیت‌ها و موانع محیطی موجب می‌شود که انسان‌ها برای کنترل محیط و شرایط خاص آن به چاره‌اندیشی و ابداع ابزارها بپردازند.

۳- هر ناحیه شرایط خاصی را به انسان‌ها ارائه می‌کند و انسان‌ها در چارچوب آن شرایط دست به عمل می‌زنند.

پ) نواحی با یکدیگر رابطه و کنش متقابل دارند.

هر ناحیه روی کره زمین با دیگر نواحی دارای مبادلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است.

نواحی بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

امروزه همه نواحی و حتی دور افتاده‌ترین آن‌ها به ویژه از نظر اقتصادی، تحت تأثیر یکدیگرند.

ت) نواحی تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها هستند.

حکومت‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی به شدت بر روی نواحی تأثیر می‌گذارند. تصمیم حکومت‌ها موجب حفظ، تغییر یا تخریب نواحی طبیعی و انسانی می‌شود.

کانون ناحیه، مرزهای ناحیه:

هر ناحیه جغرافیایی، **کانون** یا **مرکزی** دارد که بیشترین عوامل وحدت و همگونی در آن وجود دارد. هر چه از کانون یک ناحیه جغرافیایی دور می‌شویم و به طرف مرزهای آن حرکت می‌کنیم، از عوامل همگونی آن ناحیه کاسته می‌شود و در نهایت این عوامل ناپدید می‌شوند.

ویژگی‌های کانون ناحیه و مرزهای ناحیه

بخش‌های هاشورخورده در نقشه زیر بیانگر یک ناحیه انتقالی در امتداد دو ناحیهٔ زبانی انگلیسی و اسپانیایی در مجاورت مرز ایالات متحده آمریکا و مکزیک است. در این ناحیه هر دو زبان انگلیسی و اسپانیایی رواج دارد.

« تعیین مرزهای دقیق نواحی دشوار است: در نواحی انسانی مانند نواحی زبانی و قومی، تعیین مرز نواحی دشوارتر از نواحی طبیعی مثل نواحی خاک یا زیست‌بوم‌ها است.

« قلمرو و وسعت نواحی متفاوت است: گاهی یک ناحیه شامل بخشی از یک روستا، یک شهر یا استان یا یک کشور می‌شود و گاهی چند کشور و قاره را دربرمی‌گیرد و مقیاس آن جهانی می‌شود.

« مرزهای نواحی قابل تغییر هستند: ویژگی‌های یک ناحیه در اثر فعالیت‌های انسانی یا عوامل طبیعی ممکن است از بین برود و وسعت آن کم یا زیاد شود.

مرزهای سیاسی و اداری معمولاً بر مرزهای نواحی طبیعی و انسانی منطبق نیستند:

مرزهای سیاسی و اداری بر مبنای انتخاب و تصمیم‌گیری انسان‌ها تعیین می‌شوند. یک ناحیهٔ آب و هوایی گاهی بین چند استان یا چند کشور قرار می‌گیرد.

نواحی طبیعی: شامل سراسر کرهٔ زمین می‌شود و دارای ویژگی‌های طبیعی هستند و بستر زندگی و فعالیت‌های انسان به حساب می‌آید و جوامع انسانی به نواحی طبیعی برای ادامهٔ حیات وابسته است.

نواحی انسانی: شامل نواحی جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و ... می شود که در بستر نواحی طبیعی شکل می گیرند.

امروزه همه نواحی طبیعی یا انسانی تحت مدیریت نهادهای سیاسی یا اداری قرار دارند. نهادهایی مانند شوراها، شهرداریها، بخشدارها، استانداریها، سازمانها و حکومتها، مدیریت نهادهای سیاسی و اداری را در اختیار خود گرفته اند و تصمیم گیری درباره سیاستها و خط مشی های آن را بر عهده دارند.

یکی از تقسیم بندی های آب و هوایی معروف ← کوپن ← بر اساس سه معیار **بارش**، **دما** و **پوشش گیاهی**. در این تقسیم بندی **پنج** گروه داریم بعد هر گروه به چند گروه فرعی تقسیم می شود.

گروه a (گرم و مرطوب استوایی):

در عرض **۱۰** درجه شمالی و جنوبی استوا / تابش عمودی خورشید (علت) / دمای **بالا** و **یکنواخت** در طول سال بدون نوسان فصلی (معلول)

بارش باران هیچ ماهی کمتر از **۶۰** میلی متر نیست. / میانگین دما **حداقل ۱۸** درجه / بارش در **تمام سال** اتفاق می افتد. / فصول هارگانه وجود **ندارد**.

گروه b (خشک):

ویژگی اصلی بارش کم و خشکی / حدود **۲۶ درصد** زمین را شامل می شود / عمدتاً در منطقه مجاور مدار **۲۳** درجه شمالی و جنوبی و نواحی محصور در کوهستان / زمستان های سرد و تابستان های گرم / **اختلاف دما** زیاد / بارش **نامنظم** / **نامناسب** برای رویش گیاه

گروه c (معتدل):

عرض های متوسط و سواحل دریاها و اقیانوسها / فصول مجزا از هم / تابستان ملایم / بارش سالانه متوسط / میانگین سردترین ماه بین **-۳** و **+۱۸** / به طرف غرب و در داخل قاره ها خشک تر و نزدیک اقیانوسها معتدل تر / بارش در دوره **سرد** **بیشتر** از دوره ی گرم

گروه d (سرد):

نواحی شرقی و مرکزی قاره ها و نواحی جنب قطبی کانادا و اوراسیا سیبری در روسیه و از عرض **۴۰** تا **۵۵** شمالی. در نیمکره **جنوبی** اثری از آن نمی توان دید. / دمای **سردترین** ماه سال **کمتر از ۳** درجه / بیشتر مواقع بارش به صورت **برف** بارش **تابستان** **بیشتر** از زمستان / جنگل ها عمدتاً سردسیری **سوزنی برگ** (مخروطی)

گروه e (قطبی):

حاشیه های شمالی قاره های آسیا و آمریکای شمالی در مجاورت اقیانوس منجمد شمالی گرینلند و قاره قطب جنوب و جزایر نزدیک به آن.

زمستانها تاریک و فوق العاده **سرد** / در گرم ترین ماه ها دما کمتر از **۱۰** درجه / تابستان وجود **ندارد**. / میزان بارش **ناچیز** / **نامناسب** برای رویش گیاهان / لایه های زمین تا عمق چند متری **یخ** بسته اند. / مناطق خشک مناطقی هستند که **کمبود بارش** دارند و بارش در آنها **نامنظم** است.

بیابان ها بخشی از مناطق خشک هستند. / بارندگی سالانه آنها کمتر از **۵۰** میلی متر است.

پوشش گیاهی آن ها ضعیف و **تبخیر** آنها زیاد است. / ممکن است چند سال در بیابان باران نبارد و یا به صورت ناگهانی باران رگباری کوتاه مدت بیاید.

برای دریافت خلاصه های بیشتر و مطالب مهم در زمینه دانشگاه فرهنگیان به کانال تلگرام ما مراجعه کنید

@konkour_farhangian

انواع بیابان:

بیابان گرم: در نواحی مجاور مدار راس السرطان و راس الجدی نمونه‌های بیابان گرم: تار، لوت، صحرای بزرگ آفریقا، استرالیا، نامیب، دره مرگ کالیفرنیا، آتاکاما

بیابان سرد: عمدتاً در عرض جغرافیایی بالا یا در ارتفاعات زیاد نمونه‌های بیابان سرد: گبی، تکله ماکان، ترکستان

جریانهای آب سرد بر تشکیل بیابانها تأثیرگذار هستند.

علل ایجاد بیابانها:

الف) استقرار مرکز پرفشار / مثل آتاکاما و نامیب

ب) دوری از منابع رطوبت / مثل گبی و تکله ماکان

در نقشه هواشناسی نقاطی که فشار برابر دارند را با خطوط منحنی به هم وصل می‌کنند که به آن‌ها منحنی‌های هم فشار یا **ایزوبار** می‌گویند.

مرکز منطقه **کم فشار** را با حرف L نشان می‌دهند (سیکلون). در این منطقه هرچقدر به مرکز می‌رویم فشار **کمتر** می‌شود.

مرکز منطقه **پرفشار** را با حرف H نشان می‌دهند (آنتی سیکلون). در این منطقه هرچقدر مرکز می‌رویم فشار **بیشتر** می‌شود.

هوای گرم و سرد پشت جبهه گرم و سرد قرار می‌گیرد.

چهار ناهمواری اصلی و عمده سطح زمین:

فلات‌ها، کوه‌ها، تپه‌ها و دشت‌ها

- ❖ **فلات‌ها** سرزمین‌های مرتفع و نسبتاً همواری هستند که در کوهستان‌ها محصور بوده و کناره‌های آنها با شیب تند به نواحی پست متصل می‌شود.
- ❖ **فلات‌ها و کوه‌ها** هر دو مرتفع‌اند اما کوه دارای قله است اما فلات مرتفع و نسبتاً مسطح می‌باشد.
- ❖ **تپه‌ها** ارتفاعی کمتر از ۶۰۰ متر دارند.
- ❖ ارتفاع کوه‌ها و تپه‌ها بر مبنای سطح متوسط آب‌های آزاد (دریاها) محاسبه می‌شود.
- ❖ **دشت‌ها** بیش از یک سوم سطح زمین را پوشانده‌اند.

عوامل پیدایش و شکل‌گیری ناهمواری‌ها:

- ❖ **عوامل درونی** (چین خوردگی، رشته کوه‌ها، شکست‌ها (گسل‌ها) و پیدایش کوه‌های آتشفشانی)
- ❖ عوامل بیرونی مانند هوازدگی و فرسایش
- ❖ **هوازدگی** عبارت است از فرایندی که طی آن، سنگ‌ها **خرد**، **متلاشی** و **تجزیه** می‌شوند.

انواع هوازدگی:

۱- **فیزیکی:** خرد شدن سنگ‌ها بدون تغییر در ترکیب شیمیایی آن در اثر اختلاف دما و انبساط و انقباض سنگ‌ها و یخ بستن آب در شکاف سنگ‌ها

۲- **شیمیایی:** تغییر در ترکیب و ساختمان سنگ‌ها با کمک اکسیژن و رطوبت

۳- **زیستی:** فعالیت‌های موجودات زنده، یعنی گیاهان و جانوران می‌تواند موجب تغییرات فیزیکی و شیمیایی در سنگ‌ها شود؛ برای مثال، رشد ریشه درختان یا ایجاد حفره‌های زیرزمینی توسط جانداران حفرات مانند موش‌ها و موریه‌ها، باعث خرد شدن سنگ‌ها می‌شود. همچنین گیاهان و جانوران در حال پوسیدن اسیدهایی تولید می‌کنند که موجب تغییرات شیمیایی و فیزیکی در سنگ‌های مجاور خود می‌شوند.

عوامل مؤثر در سرعت هوازدگی:

- جنس سنگ‌ها

- نوع آب‌وهوا

- زمان

سرعت هوازدگی در آب و هوای گرم و مرطوب بیشتر است.

فرسایش عبارت است از جدا شدن ذرات سنگ و خاک از بستر خود و جابه‌جایی آنها به وسیله باد، آب و ...

مراحل فرسایش:

۱- کنده شدن مواد از جای خود (حفر)

۲- انتقال

۳- رسوب‌گذاری یا انباشته شدن مواد در مکان‌های دیگر

❖ به‌طور کلی فعالیت‌های مربوط به **تکتونیک ورقه‌ای** از طریق ایجاد **چین‌خوردگی‌ها**، **گسل‌ها** یا **بالا آمدن مواد مذاب**

و **شکل‌گیری آتشفشان کوه‌ها** را به وجود می‌آورند. سپس، **هوازدگی** و **فرسایش** به **کوه‌ها** شکل می‌دهند.

❖ در کوهستان‌ها با توجه به شرایط آب‌وهوایی و جنس سنگ‌ها، پیوسته هوازدگی فیزیکی و شیمیایی رخ می‌دهد.

❖ **تغییرات دمای شب و روز** و **یخ بستن آب در شکاف‌ها و درزها** از عوامل مهم هوازدگی در کوهستان‌ها هستند.

تعریف ناحیه فرهنگی:

بخشی از سطح زمین است که در آن فرهنگ و ویژگی‌های (نوع خاص زبان، دین و ...) غالب است و به واسطه این فرهنگ ویژه از سایر نواحی جدا می‌شود.

زبان

از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی به شمار می‌رود.

مشخص‌کننده هویت مشترک افرادی است که به آن تکلم می‌کنند.

نظامی از ارتباطات است که در آن، معنی الفاظ فقط به وسیله یک گروه خاصی که در آن مشترک هستند، درک و فهمیده می‌شود و

برای سایر گروه‌ها معنای خاصی ندارد.

زبان، عنصر اصلی گسترش یک فرهنگ است؛ زیرا انسان‌ها از طریق زبان، اطلاعات، تجربه‌ها، ارزش‌ها و آداب و رسوم خود را به دیگران و به نسل بعدی منتقل می‌کنند.

زبان‌شناسان، زبان‌های دنیا را به خانواده‌های بزرگ زبانی تقسیم کرده‌اند.

خانواده‌های زبانی

منظور از خانواده‌های زبانی: گروه بزرگی از زبان‌ها است که یک ریشه اصلی دارند؛ مانند مردم انگلستان، اسپانیا، روسیه، هند و ایران.

همه این زبان‌ها از خانواده زبانی هند و اروپایی هستند؛ به دلیل اینکه ریشه مشترک دارند.

مهم‌ترین خانواده‌های زبانی

خانواده زبانی هند و اروپایی

خانواده زبانی چینی - تبتی

خانواده آفرو - آسیایی (سامیایی - حامیایی)

تغییر در الگوی پراکندگی زبان‌ها

عوامل گسترش بعضی از زبان‌ها:

۱- جنگ و فتح سرزمین‌ها

۲- تجارت

۳- مهاجرت مردم از یک ناحیه به نواحی دیگر

یکی از مهم‌ترین الگوهای تغییرات تاریخی در الگوهای زبانی جهان: عصر اکتشافات جغرافیایی در قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی

تنوع زبانی

یکی از موضوعات مورد توجه جغرافیدان‌ها؛ اهمیت تنوع جغرافیایی زبان‌هاست.

پیش‌بینی می‌شود که در آینده برخی از زبان‌های بومی و محلی در نواحی مختلف از بین بروند.

انواع ادیان

۱- ادیان مبتنی بر یکتاپرستی

۲- ادیان مبتنی بر پرستش غیرخدای یگانه

چشم‌انداز یعنی منظره قابل رؤیت از یک مکان. ساختمان‌ها، بناها، سبک معماری، نوع سکونتگاه‌های شهری و روستایی، مزارع، جاده‌ها، خیابان‌ها و نظایر آن.

انسان با تغییراتی که در محیط‌های طبیعی به وجود می‌آورند، چشم‌اندازهای فرهنگی را ایجاد می‌کند.

پیروان یک دین با توجه به باورها و اعتقادات خود، چشم‌اندازهای خاصی را در قالب معماری، هنر، نقاشی و ... به وجود آورده‌اند.

تقسیم نواحی فرهنگی در روی سطح زمین برای مطالعه و شناخت تنوع‌های فرهنگی است.

پدیده پخش یا انتشار فرهنگی:

فرایندی است که طی آن یک موضوع یا پدیده مانند زبان، مذهب، افکار و ایده‌ها، نوآوری، وسایل و ابزار، لباس، شیوه زندگی و حتی بیماری از یک مکان به سایر مکان‌ها گسترش می‌یابد.

گاهی پدیده پخش و انتشار از یک فرهنگ به فرهنگ‌های دیگر بدون آن‌که فرهنگ‌ها در تماس مستقیم باشند، اتفاق می‌افتد.

شرایط آب و هوایی خشک بادهای شدید خاک‌های نرم	عوامل ایجاد فرسایش بادی هستند که به ۲ صورت کاوشی تراکمی	صورت می‌گیرد
--	---	--------------

چگونگی انجام عمل سایش توسط باد ← باد ذرات ماسه را همراه خود مانند سمباده می‌کشد.

تعریف یاردانگ ← فرورفتگی‌ها یا برجستگی‌های واقع در بین فرورفتگی‌های لاشکل

تعریف سیف ← زمانی که بادهای غالب از دو جهت عمود بر هم بوزند.

تعریف برخان ← تپه‌های هلالی شکل که ۲ زائده طویل در جهت باد دارند.

محدودیت‌ها و مشکلات زندگی در نواحی گرم و خشک

محدودیت	نکته‌ی مهم
شکننده بودن محیط	به معنی ایجاد اختلال یا نابه‌سامانی محیطی در اثر تغییری کوچک
خشک‌سالی	عوامل افزایش خشک‌سالی: افزایش بیش از حد دام‌ها حفر چاه‌های متعدد، کشت محصولات به‌جای دام‌پروری
فقر خاک و فرسایش آن	از بین بردن پوشش گیاهی باعث بادبردگی ذرات زیر خاک می‌شود ← ایجاد گودال‌ها
حرکت ماسه‌های روان	وجود خطر برای مزارع، روستاها و جاده‌های ارتباطی
دشواری ارتباط	هنگام وقوع طوفان‌های گرد و خاک ← کاهش دید ← اختلال ارتباطات
کم آبی	آب‌های سطحی در این نواحی بسیار کم و اغلب صورت هرزآب‌های موقتی هستند

خلاصه درس ۸ جغرافیا یازدهم

نواحی اقتصادی تجارت و اقتصاد جهانی

تجارت و بازرگانی دو شکل دارد: ۱. یا داخل مرزهای یک کشور و بین بخش مای مختلف آن جریان دارد. ۲. یا بین یک کشور و کشورهای مختلف دیگر صورت می گیرد.

اقتصاد جهانی

منظور از اقتصاد جهانی، تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات است که بر مبنای ارزش یک پول معین صورت می گیرد.

نابرابری در اقتصاد جهانی

همه کشورها در اقتصاد جهانی موقعیت یکسان ندارند. این جایگاه متفاوت، تأثیرات زیادی در زندگی مردم کشورهای مختلف می گذارد. برای آنکه به وضعیت نابرابر نواحی در اقتصاد جهانی امروز بهتر پی ببریم، باید به پیشینه تعامل و روابط اقتصادی در جهان توجه کنیم؛

- در گذشته مای دور تجارت بیشتر در سطح محلی صورت می گرفت. به تدریج با ایجاد راهها و کاروان سراها و استفاده از چهارپایان و کاروان ها، مبادله کالا در نواحی دوردست گسترش یافت.

- سپس با پیشرفت‌هایی که در ساخت کشتی ها حاصل شد، میزان مبادلات تجاری بین نواحی مختلف افزایش یافت. راههای جاده ابریشم که تا قرن ۱۵ میلادی شکل گرفت بزرگ ترین شبکه داد و ستد جهانی بود که شرق و غرب جهان آن روز، یعنی از چین تا اروپا را به هم متصل می کرد.

- پس از جنگ جهانی اول و دوم، به تدریج کشورهای مستعمره استقلال خود را به دست آوردند و به عضویت سازمان ملل در آمدند. بدین ترتیب، دوره استعماری کهن به پایان رسید؛ اما رابطه اقتصادی نابرابر در جهان همچنان ادامه پیدا کرد.

- پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای جهان به دو بلوک غرب کشورهای سرمایه داری آمریکا و اروپای غربی (و بلوک شرق) کشورهای کمونیستی شوروی سابق، چین و اروپای شرقی تقسیم شدند. کشورهای سرمایه داری غربی برای جبران خسارت مای جنگ و جلوگیری از گسترش کمونیسم، دست به صدور سرمایه و کالا زدند.

آن‌ها علاوه بر فشار سیاسی به حکومت‌ها، به سرمایه‌گذاری و ایجاد کارخانه‌های مونتاژ اقدام کردند.

البته در این مرحله کشورهای عقب مانده صنعتی همچنان به فروش منابع و مواد اولیه خام مشغول بودند.

** یکی از مهم ترین ویژگی مای این دوره، گسترش شرکت‌های چندملیتی بود.

شرکت‌های چندملیتی به سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر علاقه‌مند هستند. زیرا:

- از این طریق امتیازاتی به دست می‌آورند.
- با احداث کارخانه یا شرکت در کشورهای دیگر از منابع طبیعی آن‌ها استفاده می‌کنند.
- از نیروی ارزان‌قیمت این نواحی برخوردار می‌شوند.
- از آنجایی که در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نظام مالیاتی و بیمه کارگران و قوانین و مقررات زیست‌محیطی، چندان جدی و سخت نیست، فعالیت شرکت‌های چندملیتی در این کشورها ارزان‌تر و آسان‌تر تمام می‌شود. این شرکت‌ها گاه انحصار تولید یک کالا را در دست می‌گیرند و کارخانه‌های داخلی کشورها را از دور رقابت خارج می‌کنند

انواع نواحی از نظر مبادلات تجاری جهانی

- ۱- کشورهایی که اقتصاد آن‌ها به‌طور عمده مبتنی بر تولیدی و صدور مواد اولیه و خام و منابع انرژی و معدنی است.
- ۲- کشورهای اقتصاد و درآمد آن‌ها به‌طور عمده مبتنی بر تولید و صدور انواع کالاهای کارخانه‌ای صنعتی همراه با فناوری‌های پیشرفته است.

اقتصاد کشورهای گروه اول در برابر نوسانات قیمت در بازارهای جهانی آسیب‌پذیری زیادی دارد و کاهش قیمت خرید محصولات آن‌ها می‌تواند شوک مای عظیمی به اقتصادشان وارد کند. در این نوع اقتصاد، حمایت از بخش مای تولیدی داخلی ضعیف است و واردات گسترش زیادی دارد. در بین کشورهای نوع اول، برخی کشورهای صادرکننده نفت و گاز برای دفاع از منافع خود و جلوگیری از آسیب‌پذیری ناشی از کاهش قیمت نفت در بازار جهانی، با یکدیگر متحد شده و سازمان اوپک را به وجود آورده‌اند.

نابرابری اقتصادی، نابرابری فضایی

در جهان برای سنجش و مقایسه کشورها از شاخص توسعه انسانی استفاده می‌کنیم که سه عامل را در بر می‌گیرد:

- ۱- درآمد و رفاه ۲- امید به زندگی یا متوسط طول عمر ۳- سواد و آموزش

* عامل اول جنبه اقتصادی دارد. امروزه ثروت و درآمد جهان در دست برخی کشورها متمرکز شده است؛ درحالی که کشورهایی هستند که با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند.

مرکز - پیرامون

در نظام سرمایه‌داری جهانی، بر اساس روابط نابرابری که بین نواحی پدید آمده است، برخی نواحی نقش مرکز و سایر نواحی نقش پیرامون دارند که از لحاظ اقتصادی به مرکز وابسته‌اند. بر اساس این نظریه، مرکز پیرامون را استثمار می‌کند و بر آن سیطره اقتصادی دارد. منظور از مرکز، کانون مای سلطه اقتصادی بر جهان است. کشورهای توسعه‌یافته صنعتی که از نظر درآمد و ثروت بالاترین موقعیت را دارند، مرکز نامیده می‌شوند.

پیرامون

عمدتاً تولید کننده مواد خام و اولیه هستند. از نظر توسعه صنعتی و فناوری‌های نوین در سطح پایین تری قرار دارند. به واردات کالاهای صنعتی از مرکز وابسته اند و بازار خوبی برا تولیدات آنها هستند. این کشورها، کمبود نیروی کار ماهر، متخصص و زیر ساخت ها و تجهیزات را برای توسعه صنعتی دارند.

نیمه پیرامون :

منظور کشورهایی هستند که بین مرکز و پیرامون قرار گرفته اند. از نظر اقتصادی از کشورهای پیرامون قوی تر اند ولی هنوز به پای کشورهای مرکز نرسیده اند. این کشورها نقش واسطه را بین کشورهای مرکز و پیرامون بازی می کنند و ساختار اقتصادی و اجتماعی آنها دچار تغییرات صنعتی و فناورانه شده است. کشورهایی مثل چین، سنگاپور و کره جنوبی از جمله کشورهای نیمه پیرامون هستند.

تجارت: اگر ارزش صادرات یک کشور بیشتر از واردات آن باشد، موازنه تجاری آن مثبت است. کشورها برای اینکه تاثیرات منفی تجارت خارجی را بر صنایع و اقتصاد خود کاهش دهند و به رونق دست یابند کارهایی را انجام می دهند، مانند:

- وضع تعرفه مای گمرکی و مالیات بر کالاهای وارداتی، محدود یا ممنوع کردن کردن واردات برخی کالاهای وارداتی، تشکیل اتحادیه مای اقتصادی_تجاری منطقه ای، ایجاد مناطق آزاد تجاری

تجاری بین المللی و حمل و نقل دریایی

حدود ۹۰ درصد تجارت جهانی از نظر وزن کالاهایی که جابه جا می شوند، از طریق حمل و نقل دریایی و توسط کشتی ها صورت می گیرد.

حمل و نقل به دو دلیل بر دیگر شیوه مای حمل و نقل برتری دارد:

۱- پایین تر بودن هزینه با وجود وزن زیاد کالاهای جابه جا می شود.

۲- قابلیت جابه جایی کالاها تا مسافت دور دست

نکته: بندر شانگهای رتبه نخست از نظر تعداد جابه جایی کانتینر را دارد.

برای دریافت خلاصه های بیشتر و مطالب مهم در زمینه دانشگاه فرهنگیان به کانال تلگرام ما مراجعه کنید

@konkour_farhangian

خلاصه درس ۹ جغرافیا یازدهم

معنا و مفهوم ناحیه سیاسی

به طور کلی هر ناحیه سیاسی سه رکن یا سه ضلع دارد: قلمرو جغرافیایی، نظام مدیریت، سازه انسانی

"ناحیه سیاسی به بخشی از سطح زمین گفته می شود که تحت مدیریت سیاسی یا فرمانروایی یک قدرت سیاسی باشد. این قدرت یا مدیریت سیاسی ممکن است متعلق به یک فرد، یک نهاد، یک سازمان، شورا یا حکومت باشد که اداره آن فضای جغرافیایی را بر عهده گرفته است. ناحیه سیاسی نیز می تواند یک روستا، یک شهر، یک استان، یک کشور و حتی ناحیه وسیعی فراتر از یک کشور باشد."

انواع ناحیه سیاسی

۱- ناحیه سیاسی فروملی: یک واحد جغرافیایی مثل روستا، شهر، استان و .. که تحت مدیریت دهرداری، شهرداری، فرمانداری و ... است.

۲- ناحیه سیاسی ملی: هر کشور مستقل که نظام حکومتی مستقل دارد، یک ناحیه سیاسی ملی محسوب می شود.

۳- ناحیه سیاسی فراملی (منطقه ای): عبارت است از چند کشور که تحت اداره یک نظام مدیریت منطقه ای قرار گرفته اند؛ مانند اتحادیه اروپا که از ۲۷ کشور اروپایی تشکیل شده است. این کشورهای مستقل اند اما باهم متحد نیستند. این کشورها پذیرفته اند که از نظام مدیریت مشترکی تبعیت کنند. کشورهای عضو این اتحادیه برای تحقق مدیریت مشترک، روسایی را برای شورا و مجلس قانون گذاری اروپا، بانک مرکزی اروپا و نظایر آن انتخاب می کنند.

* کشورهای اتحادیه اروپا در امور سیاست خارجی، کشاورزی، تجارت، محیط زیست و نظایر آن، از اصول و شیوه های مشترکی پیروی می کنند.

* همچنین، برای تسهیل رفت و آمد مردم به برخی کشورهای عضو به منظور زندگی، کار، تحصیل یا سرمایه گذاری، اخذ روادید بین این کشورها لغو شده است و افراد می توانند بر طبق پیمان (شنگن) آزادانه و بدون نیاز به روادید به این کشورها، سفر کنند.

۴- ناحیه سیاسی ویژه: ناحیه ای است که نظام مدیریتی مخصوص به خود را دارد. مثل نواحی خودمختار و مناطق آزاد تجاری.

نواحی خودمختار به استان ها یا ایالت هایی گفته می شود که به دلیل شرایط قومی و مذهبی و نظایر آن از استقلال محدودی برخوردارند.

* در امور سیاست خارجی و دفاع، تابع حکومت مرکزی هستند.

خودمختاری، استقلال محدود یک واحد سیاسی در اداره امور خود در داخل یک کشور است.

مثال: نخجوان در آذربایجان/ بندر هنگ کنگ در چین/ کردستان

مناطق آزاد تجاری مناطقی هستند که برخی قوانین و مقررات کشور در آن ها اجرا نمی شود؛ برای مثال

اتباع خارجی می توانند بدون ویزا به این مناطق وارد شوند، یا قوانین مالیاتی و گمرکی کشورها در مورد سرمایه گذاری در مناطق آزاد اجرا نمی شود.

کانون ناحیه سیاسی

هر ناحیه سیاسی کانونی دارد که محل تمرکز قدرت سیاسی است و قدرت سیاسی از آن نقطه در سطح ناحیه اعمال می شود. کانون نواحی سیاسی همان پایتخت ها، مراکز ایالت ها و استان ها و شهرهای ناحیه ای یا مقر سازمان های بین المللی هستند.

فضای جغرافیایی ناحیه سیاسی

نظام مدیریت برای اداره بهتر امور، فضای جغرافیایی را به واحدهایی تقسیم بندی کرده است. برای مثال در کشور ما فضای جغرافیایی را به استان، شهرستان و... تقسیم بندی کرده است.

مرز ناحیه سیاسی

خطوط مرزی حد اعمال اراده سیاسی یک نظام مدیریت یا حکومت هستند.

جغرافیایی سیاسی

مطالعه نواحی سیاسی یکی از موضوعات رشته جغرافیایی سیاسی است. یکی از شاخه های علوم جغرافیایی است. جغرافیای سیاسی یکی از شاخه های علوم جغرافیایی است. نکته: جغرافیا و فضای جغرافیایی بر تصمیمات سیاسی، تأثیر می گذارند و برعکس، سیاست و تصمیم گیری های سیاسی نیز روی فضای جغرافیایی اثر می گذارند و آن ها را تغییر می دهند.

* تصمیم گیری های مدیریت سیاسی واداری یک ناحیه بر فضای جغرافیای آن ناحیه تأثیر می گذارد. شبه جزیره کریمه در شمال دریای سیاه و جنوب اوکراین واقع شده است. این شبه جزیره که یک منطقه گردشگری و کشاورزی نیز است، موقعیت جغرافیایی مهمی دارد.

کریمه تا پیش از فروپاشی شوروی سابق بخشی از خاک اوکراین بود. در سال ۲۰۱۶ میلادی، مردم کریمه در یک همه‌پرسی خواهان پیوستن به جمهوری خودمختار کریمه به روسیه شدند که در حال حاضر در این شبه‌جزیره پایگاه دریایی دارد. امروزه این شبه‌جزیره به موضوع کشمکش بین اوکراین و روسیه با مداخله آمریکا و دولت‌های غربی عضو پیمان ناتو شده است.

* توافقات و تصمیمات سیاسی و اقتصادی حکومت‌ها برای فضای جغرافیایی تأثیر می‌گذارد. در سال ۱۹۸۶ میلادی، بر اساس تصمیم و توافق حکومت‌های فرانسه و انگلستان طی قرارداد مشترکی، عملیات احداث تونل مانش آغاز شد و سرانجام، در سال ۱۹۹۴ این تونل افتتاح گردید. این تونل با ۵۲ کیلومتر طول، در ۴۰ متری زیردریا ساخته شده است و انگلستان را به قاره اروپا متصل کرده است. سفر مردم به دو کشور انگلستان و فرانسه آسان‌تر شده و روابط اقتصادی و تجاری بین این کشور با قاره اروپا تسهیل یافت.

* سیاست‌ها و تصمیماتی که حکومت یک کشور در زمینه اقتصاد، اشتغال و توزیع درآمد اتخاذ می‌کند، و همچنین نوع برنامه ریزی و بودجه‌ای که به نواحی مختلف کشور اختصاص می‌دهد، بر تجهیزات و امکانات در نواحی مختلف اثر می‌گذارد. در نتیجه، نوع توزیع امکانات در مناطق مختلف، چشم‌اندازها و فضای جغرافیایی متفاوتی ایجاد می‌کند.

* ایدئولوژی حکومتها بر فضای جغرافیایی تأثیر می‌گذارد؛

به عنوان مثال:

- آثار معماری سوسیالیستی در اتحاد شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی دیده می‌شود. ایدئولوژی سوسیالیسم با مالکیت خصوصی مخالف است و منافع جمعی را بر منافع فردی مقدم می‌شمارد و بر تساوی و برابری تأکید می‌کند. از این‌رو، در فضاهای شهری این کشورها بلوک‌های مسکونی یکدست و هم‌شکل که نمای یکسان دارند، فراوان مشاهده می‌شود.

- بانوان در فضای مخصوص خود به راحتی و با رعایت موازین شرعی و دینی ورزش و تفریح می‌کنند. ساختن این نوع فضاهای جغرافیایی تجلی ایدئولوژی اسلامی و توجه به ارزش‌های دینی در حکومت اسلامی است.

- دوقطبی شدن شهرها و پیدایش مناطق مرفه نشین، که به طبقه ثروتمند اختصاص دارد و مناطق فقیرنشین که

فاقد امکاناتند، از ویژگی مای ایدئولوژی سرمایه داری است.

جغرافیای سیاسی علم مطالعه کنش مای متقابل جغرافیا و سیاست است و پیامد مای تأثیر این دو بر یکدیگر را تحلیل می‌کند

خلاصه درس ۱۰ جغرافیا یازدهم

کشور یک ناحیه سیاسی

امروزه ۱۹۳ کشور مستقل در جهان وجود دارد که عضو سازمان ملل هستند.

هر کشور حداقل سه رکن بنیادی دارد:

۱- سرزمین: هر کشور بخشی از سطح زمین را اشغال کرده و زیستگاه مشترک افرادی است که به آن کشور تعلق دارند.

۲- جمعیت: هر کشور دارای جمعیتی است که در محدوده سرزمین مستقر و مقیم اند و برای اداره امور خود نظام سیاسی و حکومتی تاسیس می کنند.

۳- نظام سیاسی: در واقع، همان حکومت است که وظیفه اداره امور سرزمین و جمعیت را بر عهده دارد.

نکته: درباره موجودیت یک کشور، علاوه بر سه رکن سرزمین، جمعیت و حکومت بر عنصر چهارمی نیز تأکید می شود که حاکمیت است. حاکمیت یعنی داشتن استقلال و بی نیاز بودن از نظارت دولت های خارجی، حاکمیت یک کشور نشان دهنده استقلال و اقتدار سیاسی آن است.

"کشور عبارت است از یک ناحیه سیاسی مستقل که دارای سرزمین مشخص، جمعیت دائمی و مقیم و حکومت مرکزی است و بر امور داخلی و خارجی خود حاکمیت دارد."

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

سرزمین

فضا و قلمرو جغرافیایی یک کشور، سرزمین آن است.

سرزمین یک کشور دارای منابعی است و عرصه ای برای فعالیت های اقتصادی و کار و زندگی مردم آن کشور محسوب می شود. سرزمین به عنوان مکان تولد یا زندگی افراد، یکی از بنیادهای هویتی آنها محسوب می شود. هویت مکانی احساس تعلق است که به واسطه ارتباط با یک مکان در یک فرد یا گروه ایجاد می شود.

الف) مرز

خط اعتباری و قراردادی است که برای تعیین حدود یک ناحیه سیاسی از جمله کشور، به روی زمین مشخص می‌شود.

*** مرزها مهم ترین عامل تشخیص و جدایی کشورها از یکدیگراند.

اهمیت مرزها از چه نظر است؟

از این نظر که قلمرو رسمی و اعمال مدیریت سیاسی هر کشورند و حدود حاکمیت و اداره یک حکومت را تعیین می‌کنند.

روش تعیین مرز: ابتدا کشورها برای تعیین خطوط مرزی به توافق می‌رسند و سپس، طبق نقشه ترسیم‌شده از محل عبور خطوط مرزی، روی زمین علامت گذاری می‌کنند. امروزه خطوط مرزی کشورها ارزش حقوقی و بین‌المللی دارند؛ زیرا محدوده‌های کشورهای هم‌مرز در اسناد سازمان ملل متحد ثبت می‌شود.

انواع مرزها

۱. طبیعی

کوه‌ها: برای تعیین خط مرزی از امتداد ارتفاعاتی که میان دو کشور قرار گرفته است، استفاده می‌کنند. برای تعیین خط مرزی در امتداد رشته کوه ها، خط الراس کوه ها در نظر گرفته می‌شود.

* خط الراس خطی است که از متصل کردن نوک بلند ترین نقاط کوهستانی به یکدیگر به وجود می‌آید. رود ها: اگر یک رود مرزی بین دو کشور باشد، برای تعیین مرز از خط منصف یا تالوگ استفاده می‌کنند. خط منصف خطی است که وسط رودخانه می‌گذرد و فاصله مرز از هر دو ساحل به یک اندازه است. ممکن است خط مرزی عمیق ترین نقاط بستر رود را به هم متصل کند که به آن تالوگ می‌گویند. در رودهای قابل کشتی‌رانی، تالوگ بهترین خط مرزی است؛ چون هر دو کشور حق کشتی‌رانی در دو طرف آن را دارند.

دریاها: برای تعیین مرز دریایی، ابتدا خط مبنا را تعیین می‌کند. خط مبنا پایین ترین حد جزر دریاست.

* به آب‌های پشت خط مبنا به طرف ساحل آب‌های داخلی می‌گویند که کشور مجاور دریا مالک آنهاست.

* از خط مبنا به سمت دریا تا حدود ۱۲ مایل دریایی، دریای سرزمینی نامیده می‌شود که آن هم متعلق به کشور مجاور دریاست اما سایر کشورها در آن منطقه حق عبور و مرور بدون ضرر را دارند.

نکته: آب‌های آزاد به بخش‌هایی از دریا گفته می‌شود که در مالکیت هیچ کشوری قرار ندارند. در آب‌های آزاد کشتی‌رانی، فعالیت نظامی، ماهیگیری، ایجاد تأسیسات و تحقیقات برای همه کشورها آزاد است؛ مشروط به اینکه مَخلّ دریاوردی بین‌المللی نباشد.

۲- مرزهای غیرطبیعی

در بخش‌هایی از زمین که امکان استفاده از پدیده مای طبیعی برای تعیین خطوط مرزی

وجود داشته باشد، با استفاده از مختصات جغرافیایی خط مرزی تعیین می‌شود.

مانند مرز بین کانادا و آمریکا روی مدار ۴۹ درجه شمالی. مرزهای غیرطبیعی یا مصنوعی همچنین با توافق دو کشور هم‌جوار بر روی زمین تعیین و علامت گذاری می‌شود؛ مانند مرز ایران و افغانستان.

انواع مرزها

- مرزهای پیشتاز: مرزهایی هستند که از زمان مای قدیم در نواحی خالی از سکنه ترسیم شده اند و بعد ها نیز مورد قبول ساکنان دو کشور همسایه واقع شده اند.

*مانند مرز بین آلسکا و کانادا

- مرزهای تطبیقی: با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی تعیین می شوند و گروه های انسانی را، که از نظر قومی، زبانی، دینی و غیره متفاوت اند، از یکدیگر جدا می کنند.

*مانند مرز بین پاکستان و هند که در آن منطقه مسلمان نشین و هندو نشین جدا شد.

- مرزهای تحمیلی: در این نوع مرز بندی افراد یک ملت یا قوم را که دارای دین و زبان مشترک هستند، از هم جدا می کنند و دو کشور همسایه در دو حکومت جداگانه قرار می گیرند.

* مانند مرزهایی که کشورهای استعمار گر در قاره آفریقا ایجاد کردند. یا مرز بین کره شمالی و جنوبی

"در سال ۱۹۴۵ میلادی، پس از پایان جنگ جهانی دوم و سال ها سیطره ژاپن بر شبه جزیره کره، این کشور به دو کشور کره شمالی و جنوبی تقسیم شد. در آن زمان، کشور کره شمالی به بلوک شرق کمونیستی پیوست و کره جنوبی نیز تحت سیطره بلوک غرب قرار گرفت. در زمان تقسیم کره به دو کشور، امریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق توافق کردند مرز دو کشور روی مدار ۳۸ درجه تعیین شود. پس از تقسیم کره، بارها بین دو کشور حمله مای نظامی و درگیری مای مرزی رخ داده است و اختلافات تا امروز نیز ادامه دارد."

- مرزهای هوایی: هر سرزمین می تواند بر فضای بالای سرزمین خود نیز می تواند ادعای حاکمیت داشته باشد. مرز هر کشور مثل یک دیوار فرضی است که دور تا دور سرزمین آن را احاطه کرده است و از طرف بالا نیز به سمت جو ادامه دارد. هواپیما ها برای عبور از مرز هوایی باید اجازه بگیرند.

اهمیت مرزها

- مرزها در روابط یک کشور با کشورهای همسایه تأثیر گذارند و می توانند عاملی برای ثبات و آرامش یا اختالف و منازعه باشند. منازعات مرزی سابقه ای طولانی دارند و از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون، تقریباً نیمی از کشورها درگیر اختلافات مرزی اند. کشور ما حدود ۸۷۵۵ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای همسایه دارد و با ۱۵ کشور از راه خشکی و دریا هم مرز است حفاظت و مدیریت و کنترل مرزهای کشور بر عهده مرزبانان نیروی انتظامی و دفاع از مرزهای زمینی و هوایی و دریایی کشور در برابر تهدیدات خارجی بر عهده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. مرزها تأثیر بسزایی در جابه جایی مسافران و مبادلات بازرگانی (صادرات و واردات کالا) و توسعه اقتصادی کشورها دارند. به همین دلیل، امن بودن یا ناامن بودن آن ها بر رونق اقتصادی کشورها تأثیر می گذارد.

تقسیمات کشوری

حکومت‌ها برای اداره آسان‌تر فضای جغرافیایی کشورها و ارائه خدمات به شهروندان به مرز بندی سیاسی-اداری در داخل کشور می پردازند. میزان اختیارات واحد مای سیاسی درون کشور، تأمین منابع مالی و قوانین و ... در کشورهای مختلف متفاوت است.

پایتخت، کانون سیاسی کشور

- پایتخت مرکز سیاسی یک کشور است.

- فرمان ها و تصمیمات سیاسی از این نقطه در سراسر کشور پخش می‌شود.

- روسای قوای مقننه، مجریه و قضاییه و وزارت خانه ها و سازمان‌های اصلی دولت‌ها و سفارت مای خارجی در پایتخت مستقر اند.

- مکان تصمیم‌گیری‌های سیاسی ومالقات سران یک کشور با نمایندگان حکومت سایر کشورها

- پایتخت یک کشور معمولاً به بزرگ ترین و مهم ترین شهر یا کالن شهر آن تبدیل می‌شود.

عواملی که در انتخاب یک مکان به عنوان پایتخت مؤثر اند:

* داشتن قابلیت مای محیطی مناسب؛ مانند دسترسی به آب اراضی حاصلخیز

* داشتن جمعیت قابل توجه

* در تقاطع راه‌های ارتباطی قرار داشتن، دسترسی آسان به سرتاسر کشور به ویژه مرزها،

* داشتن قابلیت دفاعی مناسب و دور بودن از مرزها

در برخی کشورها به دلایل مختلف پایتخت از یک شهر به شهر دیگر منتقل می‌شود. مثل انتقال پایتخت ریودوژانیرو به برازیلیا.

علت تبدیل‌شدن پایتخت به کلان شهر :

تمرکز قدرت سیاسی و وزارت خانه ها و سازمان‌های دولیت تمرکز اقتصادی نهادهای مالی و پولی و شرکت‌های بزرگ در پایتخت‌ها، موجب تبدیل آن‌ها به کلان شهر می‌شود که پیامد هایی مثل رشد جمعیت، ترافیک، آلودگی هوا و کمبود مسکن را به دنبال دارد.

ملت

عنصر بنیادین یک کشور است و بدون آن کشور معنایی ندارد. جمعیتی است که در قلمرو یک سرزمین مشخص مستقر شده است و با هم اشتراکات تاریخی، زبانی، مذهبی اقتصادی و آرمان مای مشترکی دارند. هویت یک ملت ریشه در تاریخ و فرهنگ مشترک آن دارد که طی نسل مای متوالی پدید آمده است و افراد به دلیل همین اشتراکات با یکدیگر احساس همبستگی می کنند.

حکومت

وظایف اصلی

اداره امور سرزمین، اداره سازه یا ساختار انسانی، روابط خارجی

الگوی مدیریت سیاسی فضا

۱ -نظام سیاسی تک ساخت: فرانسه از پیشگامان این الگو است و از اروپا به دیگر کشورها راه یافته است. در این نوع نظام سیاسی، کشور به واحد مای سیاسی واداری کوچک تر مانند استان و شهرستان تقسیم می شود. اما حکومت مرکزی اختیارات آن ها را تعیین می کند.

-نظام سیاسی فدرال: در این نوع نظام سیاسی، کشور به چند ایالت تقسیم می شود و ایالت ها اختیارات زیادی دارند.

حکومت و توزیع قدرت در سرزمین دو سطح دارد: ۱ -فدرال و ملی / ۲ -سطح ایالت (منطقه)

-نظام سیاسی ناحیه ای و ترکیبی: در این نوع نظام بخش اعظم کشور تک ساخت است؛ فقط یک یا بخش کوچک به

صورت ناحیه ای و خودمختار اداره می شوند و اختیارات سیاسی و اجرایی خودشان را دارند.

مانند کشورهای عراق، انگلستان و جمهوری آذربایجان

پیدایش و بقای یک کشور

کشورهای جهان بر پایه چند عامل به وجود آمده و ادامه حیات داده اند: هویت ملی، همبستگی ملی، پیوستگی

درس یازدهم: ژئوپلیتیک

اصطلاح ژئوپلیتیک از دو واژه تشکیل شده است:

۱- ژئو مخفف ژئو گرافی؛ به معنای جغرافیا

۲- پلیتیک؛ به معنای سیاست

*برخی آن را معادل سیاست جغرافیایی در نظر گرفته اند.

تعریف ژئوپلیتیک از زبان یک جغرافی‌دان سیاسی:

"ژئوپلیتیک شاخه‌ای از دانش جغرافیای سیاسی است که با موضوع قدرت و ارتباط آن جغرافیا و سیاست سروکار دارد و روابط متقابل این سه عنصر را مطالعه می‌کند." در این مدل عنصر قدرت به رابطه متقابل جغرافیا و سیاست اضافه شده است؛ زیرا جوهره ژئوپلیتیک را قدرت تشکیل می‌دهد.

قدرت

معنای قدرت:

- داشتن توانایی

- توان و استعداد انسان برای انجام دادن کاری که مطلوب اوست. این کلمه در زبان فارسی مترادف‌هایی مثل نفوذ، اقتدار، حکم و فرمان دارد. در مباحث سیاسی و اجتماعی، از قدرت با تعبیری چون کنترل دیگران یا نفوذ داشتن روی آن‌ها، سلطه و توانایی مجبور کردن دیگران به فرمان‌برداری یاد شده است.

رابطه قدرت و سیاست

سیاست علم اداره یک کشور است.

بازیگران سیاسی سیاستمداران، حکومت‌ها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی همه در پی رسیدن به اهداف خود به وسیله‌ی قدرت هستند.

بازیگران سیاسی اصلی و عمده جهان عبارت‌اند از:

رهبران ایدئولوژیک و افراد برجسته سیاسی که روی مردم نفوذ دارند، گروه‌ها و احزاب سیاسی، سازمان‌های مردم‌نهاد و غیر حکومتی مانند انجمن فعالان حقوق بشر یا محیط‌زیست و صلح، سازمان‌های بین‌المللی مثل سازمان ملل، نهادهای اقتصادی و تجاری بین‌المللی مانند شرکت‌های چندملیتی

بازیگران سیاسی با به دست آوردن قدرت می‌توانند به اهداف خود برسند، مطابق میل با نظام فکری خود فرمان برانند، مطابق نظام فکری خودشان فرمان برانند، منافع خود و هوادارانشان را تأمین نمایند و رقیبان خویش را از صحنه بیرون کنند. قدرت مانند یک شمشیر دو لبه است؛ حکومت‌ها، هم می‌توانند از قدرت برای دست یافتن به اهدافی مثل تأمین استقلال و منافع و امنیت ملی کشور خود بهره ببرند و هم می‌توانند آن را علیه امنیت ملی کشور خود به کار بگیرند. به وسیله ابزارهایی مثل ارتش، پلیس، دستگاه قضایی و اطلاعاتی؛

رابطه قدرت و جغرافیا

صاحب‌نظران ژئوپلیتیک معتقدند عواملی چون موقعیت جغرافیایی، آب‌وهوا، داشتن منابع زیرزمینی و جمعیت می‌توانند موجب قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور بشوند. یا به عکس کارکرد منفی داشته باشند.

قدرت و نظریه‌های ژئوپلیتیکی

۱- در قرن ۱۹ راتزل پدر علم جغرافیای سیاسی نظریه فضای حیاتی را مطرح کرد.

این نظریه می‌گوید:

- اگر کشورهای کوچک برای جمعیت خود فضای کافی نداشته باشند و درصدد توسعه سرزمین‌های خود بر نیایند، نابودی آن‌ها حتمی است.

- موقعیت جغرافیایی عامل مهمی در این نظریه است و راتزل هم عقیده داشت که موقعیت یک کشور در مجاورت یک دولت قوی یا ضعیف بر سیاست و قدرت آن تأثیر می‌گذارد.

- راتزل از مباحث خود این نتیجه را گرفت که در کشمکش بر سر قدرت، دولت‌های بزرگ پیروز می‌شوند و کشورهای کوچک را ضمیمه خاک خود می‌کنند.

* البته باید توجه کرد که این نظریه در اواخر قرن نوزدهم مطرح شده است و در قرن بیستم با توسعه حقوق و قوانین بین‌المللی، اقداماتی مانند کشورگشایی و تصرف سرزمین‌های دیگر قابل قبول نیست و محکوم شمرده می‌شود؛

حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۸۰ و اشغال این کشورها یا حمله عراق به کویت در سال ۱۳۶۹، نمونه‌هایی از توسعه‌طلبی کشورهاست. برخی دیگر از صاحب‌نظران به عوامل دیگری چون قدرت خشکی، قدرت دریایی و قدرت هوایی اشاره می‌کنند.

۱- مکیندر، جغرافی‌دان انگلیسی، در سال ۱۹۰۴ در مقاله‌ای با موضوع تولید قدرت، به خشکی‌ها توجه کرد.

او معتقد بود که بخش عمده خشکی‌های جهان، سه قاره به هم چسبیده آسیا، اروپا و آفریقا است که جزیره جهانی نام دارد. او منطقه خشکی اوراسیا (از رود ولگا در غرب تا سیبری در شرق) را قلعه جهانی می‌دانست و اعتقاد داشت که برای قدرت‌های دریایی غیرقابل دسترس است. او بخش مرکزی را محور یا قلب خشکی جهان می‌نامید و معتقد بود که این منطقه منبع بزرگ قدرت است و هرکس بر آن مسلط شود، می‌تواند بر جزیره جهانی و جهان سلطه پیدا کند.

* مکیندر معتقد بود بعد از منطقه قلب زمین یا هارتلند، یک هاله داخلی وجود دارد که قدرت دریایی به آن دسترسی دارد و یک هاله خارجی، که شامل قاره آمریکا، اقیانوسیه و جنوب آفریقا است.

نکته: برخی معتقدند که این نظریه در سیاست‌های جنگ طلبانه آلمان در جنگ مای جهانی اول و دوم بی‌تأثیر نبوده است.

۲- نظریه قدرت دریایی را آلفرد ماهان مطرح کرد. او دریاسالار بود و فضاهای دریایی و اقیانوسی را در شکل‌گیری قدرت جهانی و کنترل و محاصره خشکی‌ها مؤثر می‌دانست. ماهان شش شرط را برای تبدیل شدن یک کشور به قدرت دریایی پیشنهاد کرده بود:

خط‌مشی سیاسی و حکومت: حمایت و توجه دولت‌ها به قدرت دریایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها

موقعیت جغرافیایی: مجاورت کشور با یک یا چند دریا برای حمل‌ونقل و کنترل راه‌های آبی مهم

وضع طبیعی سواحل: داشتن سواحل مناسب و دارای پناهگاه برای ایجاد بندرگاه

فرهنگ دریانوردی: توجه به اهمیت دریا، علاقه مردم به دریانوردی و توسعه روابط تجارت با سایر ملل

تعداد جمعیت: هرچه تعداد افراد کشور بیشتر باشد، در تأمین نیروی انسانی دریایی مؤثرتر است.

گسترش ساحل: طول سواحل یک کشور و دسترسی به آب‌های آزاد

**** کتاب معروف آلفرد ماهان: نفوذ و تأثیر قدرت دریایی در تاریخ**

نقش عوامل جغرافیایی در قدرت ملی

۱- موقعیت جغرافیایی کشور

موقعیت جغرافیایی عبارت است از چگونگی قرار گرفتن یک مکان در سطح زمین.

موقعیت جغرافیایی تأثیر بسزایی در قدرت یک کشور دارد. برای مثال: قرار گرفتن یک کشور بین چند کشور قدرتمند یا ضعیف در سیاست خارجی آن کشور تأثیرگذار است. مانند کشور لهستان که بین روسیه و آلمان قرار گرفته و موقعیت آسیب‌پذیری داشت و به دلیل همین موقعیت، موجودیت خود را از دست داده است.

- موقعیت دریایی، یعنی دسترسی به آب‌های آزاد، نقش مهمی در قدرت ملی یک کشور دارد..

برای مثال: انگلستان و ژاپن از همه سمت به آب‌ها آزاد دسترسی داشته‌اند و توانسته‌اند به قدرت‌های بزرگ دریایی تبدیل شوند.

۲- وسعت، شکل و ناهمواری‌های کشور

وسعت زیادی به‌خودی‌خود امری مطلوب است. کشورهایی که کمبود فضا دارند برای فعالیت‌های خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند.

همچنین در کشورهای وسیع در زمان جنگ می‌توان نیروی‌های نظامی پشتیبان را به بخش دیگری منتقل کرد؛ مانند چین که در جنگ با ژاپن، تدارکاتش را به غرب کشور انتقال داد. البته وسعت زیاد اگر با کمبود جمعیت همراه باشد، در امر دفاع به مشکلات برمی‌خورد.

* کیفیت فضای سرزمین و نوع ناهمواری‌ها نیز در قدرت ملی مؤثر است. سرزمین‌های هموار برای کشاورزی و توسعه شبکه راه‌ها و حمل‌ونقل بسیار مناسب‌اند. نواحی کوهستانی، بیابان‌های وسیع، زمین‌های باتلاقی و کویری برای فعالیت‌های اقتصادی و ارتباطی به هزینه زیادی نیاز دارند. نکته: البته نواحی کوهستانی از نظر دفاعی نقش مثبتی دارند. از دیگر عوامل مؤثر در قدرت ملی، کشل کشورهاست.

تقسیم‌بندی کشورها از نظر شکل:

۱- کشورهای جمع‌وجور (فشرده) شکلی مربع یا دایره دارند.

۲- کشورهای طویل به کشوریایی گفته می‌شود که طول آن‌ها حداقل شش برابر عرضشان باشد.

۳- کشورهای دنباله‌دار، یک بخش شبه‌جزیره‌ای یا دالان مانند دارند که از سرزمین اصلی جدا افتاده است.

۴- کشورهای چندپاره یا چندتکه، کشورهای جزیره‌ای هستند.

۵- کشورهای محاطی، کشوریایی هستند که درون یک کشور دیگر محصور شده‌اند.

نکته: به‌طور کلی، بهترین شکل برای یک کشور شکل فشرده است که پایتخت در مرکز آن قرار گرفته است. در چنین وضعیتی، در کمترین زمان می‌توان از مرکز یک سرزمین به تمام نقاط آن دسترسی پیدا کرد. قابلیت دفاعی کشور در این شکل زیاد است. در کشورهای طویل و چندتکه، نظارت حکومت بر همه قسمت‌های کشور و همچنین ایجاد خطوط ارتباطی مواجه می‌شود.

۳- بنیادهای زیستی کشور:

عواملی چون آب، خاک، آب‌وهوا و پوشش گیاهی بنیادهای زیستی کشور محسوب می‌شوند. آب یکی از مشکلات اصلی و از عوامل رقابت و کشمکش کشورهای در آینده جهان است. زیرا به دلیل افزایش جمعیت و تغییر الگوی های زندگی، مصرف آن مرتباً افزایش می‌یابد. کشوریایی که دچار کمبود آب یا پدیده فرسایش و آلودگی خاک مواجه‌اند، توانمندی‌هایشان ضعیف می‌شود و نه تنها امکان تولیدی مواد اولیه و محصولات کشاورزی و تغذیه جمعیت در آن‌ها کاهش پیدا می‌کند، بلکه وابستگی‌شان به واردات هم زیاد می‌شود. معمولاً امکان تبدیل کشوریایی که در منطقه معتدل واقع شده‌اند، به قدرت‌های سیاسی منطقه‌ای یا جهانی بیشتر است و بعید است که یک قدرت سیاسی بزرگ بتواند در سرزمین‌های بسیار سرد و یخبندان یا بیابان‌های گرم و سوزان شکل بگیرد.

۴- منابع انرژی و معدنی کشور:

منابع انرژی و معدنی مثل نفت و گاز، کانی‌های فلزی مثل مس، روی و آهن در صنعت و امور نظامی کاربرد دارند. اگر این منابع در کشوری در جهت توسعه صنایع قرار بگیرند در قدرت آن کشور مؤثرند، اما اگر اقتصاد کشوری وابسته به صادرات آن‌ها باشد، یک ویژگی منفی و عامل کاهش‌دهنده قدرت ملی تلقی می‌شوند.

۵- جمعیت کشور:

داشتن جمعیت زیاد از عوامل قدرت ملی است. زیرا هم منبع کار و تولید ثروت، هم نیروی نظامی و دفاعی و هم سرچشمه روحیه ملی محسوب می‌شود. داشتن جمعیت فعال و جوان، باسواد و دارای مهارت که فرصت‌های اشتغال و پیشرفت برای آن‌ها در کشور فراهم شده باشد، از عوامل قدرت ملی محسوب می‌شود. همگونی جمعیت از نظر قومی، زبانی و دینی در افزایش قدرت ملی مؤثر است و هرچه این همگونی بیشتر باشد، قدرت ملی بیشتر است.

توشه ای برای موفقیت

ناحیه ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی عبارت است از بخشی از سطح زمین یا تعدادی کشور هم‌جوار که به دلیل داشتن ارزش‌های جغرافیایی، بازیگران سیاسی برای کنترل یا تصرف آن‌ها با یکدیگر وارد تعامل می‌شوند. این تعامل ممکن است مذاکره، همکاری و هم‌بستگی یا رقابت و کشمکش و حتی جنگ باشد. منطقه ژئوپلیتیک منطقه ایست که در آن سه عامل جغرافیا، سیاست و قدرت بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و توجه به حکومت‌ها، به‌ویژه قدرت‌های جهانی، را به خود جلب می‌کنند. از مناطق ژئوپلیتیکی جهان امروز می‌توان به خلیج فارس، اتحادیه اروپا، دریای خزر و قفقاز اشاره کرد.